

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای

رحیم افشاریان^۱

رضا عرب چادگان^۲

مرضیه جوادی ارجمند^۳

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

^۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) afsharianrahim@gmail.com

^۲. دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران rezaarabchadegani@gmail.com

^۳. دکتری مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران mz.javadi@gmail.com

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با ترسیم چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴ ه.ش.)، هدف خود را کسب جایگاه اول منطقه در حوزه‌های مختلف قرار داده است. تبدیل شدن ایران به قدرت برتر منطقه‌ای با چالش‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و امنیتی رو به‌رو است به‌نحوی که شناخت راهبرد مناسب جهت دستیابی به این هدف ضروری بوده و فقدان چنین راهبردی باعث هدر رفت منابع سیاسی و اقتصادی ایران خواهد گردید. در این پژوهش با به‌کارگیری نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و بررسی ویژگی‌های منطقه پیرامونی، مناسبات قدرت میان ایران و دیگر قدرت منطقه‌ای مدعی، تلاش شده است با استفاده از روش‌های کمی و کیفی و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین پرسش‌نامه که روایی آن با نظر خبرگان و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۹ تأیید گردید، و به‌کارگیری تکنیک *SWOT*، به‌منظور تحلیل یافته‌های پژوهش، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که در رویکرد مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بهترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای کدام است. اولویت راهبردهای ۱۸ گانه احصایی در این پژوهش نشان می‌دهد که دستیابی به این سطح از قدرت، ارتباط نزدیکی با حوزه اقتصادی دارد، به‌گونه‌ای که سه راهبرد نخست با نمره جذابیت بیشتر از ۹ در این حوزه قرار می‌گیرند. بر این اساس راهبرد «دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تقویت قفل‌شدگی اقتصادی به‌وسیله افزایش حجم مبادلات تجاری و فعال‌کردن نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای» با نمره جذابیت ۹/۶ به‌عنوان راهبرد پیشنهادی پژوهش جهت دستیابی ایران به قدرت برتر منطقه‌ای پیشنهاد گردید.

• واژگان کلیدی

راهبرد، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، قدرت برتر، خاورمیانه، ج ۱ ایران.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی خود در اتحاد و هم‌گرایی با غرب و به‌ویژه آمریکا تعریف می‌شد و ایران در چارچوب فضای دوقطبی جنگ سرد و راهبرد آمریکا به‌ویژه راهبرد دو ستونی نیکسون، به تعامل با همسایگان خود می‌پرداخت. ایران پس از انقلاب اسلامی، در جهت اتخاذ سیاست امنیتی مستقل تلاش کرد که رویکردهای امنیتی خود را خارج از راهبردها و رویکردهای دو قدرت جهانی تعریف کند. از این‌رو، همکاری و مشارکت با بازیگران منطقه‌ای در جهت شکل‌دهی به ترتیبات امنیت منطقه‌ای را در اولویت کار خود قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران با ترسیم چشم‌انداز بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴ ه.ش.) هدف خود را کسب جایگاه اول منطقه (جنوب آسیا، جنوب غرب آسیا و آسیای مرکزی^۱) در حوزه‌های مختلف قرار داده و در این سند، محیطی باثبات و امن، محوری‌ترین رکن قلمداد شده است.

دستیابی به چنین قدرتی در عرصه منطقه‌ای با استفاده از یک رهیافت امنیت‌محور، مستلزم رسیدن به جایگاهی مناسب در «مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه^۲»، از مراکش در غرب تا افغانستان در شرق است. قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای که فاقد هرگونه نظم امنیتی پایدار و توافق‌شده یا فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است؛ این کشور را در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو می‌سازد که به‌رغم پیشرفت نظام‌های امنیتی منطقه‌ای در سراسر جهان به‌ویژه بعد از پایان جنگ سرد و در روند جهانی‌سازی به‌واسطه تحولات و روندهای منطقه‌ای بازتولید می‌شوند.

با توجه به تعدد چالش‌ها و تعارضات امنیتی در منطقه و تأثیرگذاری عوامل گوناگون در ناامنی‌ها، امنیت‌سازی در چارچوب الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت، مستلزم فرآیندی تدریجی است. وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، کمیت و کیفیت جمعیت، سطح توسعه اقتصادی-فن‌آورانه و توان نظامی، جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در سطوح جهانی و منطقه‌ای درآورده است. این جایگاه و منزلت منطقه‌ای نیز به نوبه خود میزان تأثیر و آسیب‌پذیری ایران را در برابر عوامل و متغیرهای نظام بین‌الملل افزایش می‌دهد (دهقانی-فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۴۸).

^۱. منطقه تعریف‌شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

^۲. Regional Security Complex (RSC)

از سوی دیگر، رقابت دائمی ایران با عربستان و تضاد منافع این کشور پس از انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی در قالب روابط دولت - دولت، دلیل اصلی تمرکز پژوهشگران بر این دو دولت بوده است. علاوه بر این، به دلیل آنکه ترکیه عضو مجموعه امنیتی مدیترانه است و در دسته بندی های مربوط به این مجموعه امنیتی، عضو حائل خاورمیانه شناخته می شود (Buzan and Wæver, 2003: 189)، مناسبات میان ایران و این کشور در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است.

لذا این پرسش اصلی مطرح می شود که با توجه به نظریه های گوناگون امنیتی از جمله نظریه های نوظهوری مانند نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای و رقابت دولت های مدعی مانند عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، «راهبرد پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه - ای کدام است؟». پاسخ به این پرسش از طریق پاسخ به پرسش های فرعی در خصوص «چیستی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای و مفاهیم مرتبط با آن»، «ویژگی های خاورمیانه»، «چگونگی مناسبات و رقابت های ایران با عربستان و رژیم صهیونیستی» و «تعیین نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای موجود» در چارچوب این نظریه ممکن خواهد بود. با توجه به آن که پژوهشگران موفق به یافتن پژوهشی راهبردی مبتنی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای نشده اند، پژوهش حاضر فاقد فرضیه و فرضیه رقیب است.

در پایان باید متذکر گردید، پس از بررسی پیشینه پژوهش های نزدیک یا مرتبط با موضوع، نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای، ویژگی های منطقه خاورمیانه، مفهوم قفل شدگی اقتصادی، مناسبات و رقابت های ایران با دولت های عربستان و رژیم اشغالگر قدس، نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای موجود که به وسیله پرسش نامه احصا گردیده و راهبردهای پیشنهادی مبتنی با آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری و پیشینه های پژوهش

از دیر باز تحلیل امنیتی ذیل دو سطح ملی و جهانی انجام می شد. امنیت ملی به شکل مستقل سطح معناداری برای تحلیل ارائه نمی کند، زیرا پویای امنیت ذاتاً رابطه ای هستند و امنیت هیچ دولت ملی جدا از امنیت سایر بازیگران نمی باشد. امنیت در سطح جهانی بیش از آنکه واقعی باشد، بازتاب آرمانی این مفهوم است؛ اما مطالبه امنیت در سطح منطقه ای بسیار به واقعیت نزدیک است و وابستگی شدید دولت ها به یکدیگر، امنیت منطقه ای را حائز اهمیت فراوان می کند. امنیت جهانی و ملی در سطح منطقه ای متقاطع شده و بر یکدیگر تأثیر می گذارند. تصویر کلی در محل تقاطع این دو

سطح شکل می‌گیرد؛ یعنی قدرت‌های جهانی در سطح کلان از هم تأثیر می‌پذیرند و مجموعه وابستگی متقابل امنیتی در این سطح شکل می‌گیرد. امنیت واحدهای مجزا و فرآیند مداخله قدرت‌های بزرگ را تنها با درک پویای امنیت منطقه‌ای می‌توان فهمید (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۴).

به لحاظ تاریخی، اغلب دولت‌ها در درجه اول نگران توان‌مندی‌ها و نیات همسایگان خود بوده‌اند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد میزان وابستگی متقابل امنیتی و فرایندهای امنیتی شدن بازیگران درون چنین مجموعه‌هایی به مراتب بیش از میزان وابستگی این بازیگران با عناصر بیرون مجموعه است. سیر تکامل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در دوران مدرن را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره مدرن از ۱۵۰۰ تا ۱۹۴۵، دوره استعمارزدایی و جنگ سرد از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ و دوره پساجنگ سرد که از ۱۹۹۰ شروع شده است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۴).

پایان جنگ سرد و پیامدهای آن امکان شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی، تجاری و امنیتی در درون بسیاری از مناطق جهان را تسریع کرد (کریستیانسن، ۱۳۸۳: ۱۱۴۷). یک منطقه به صورت ترکیبی از «جغرافیا»، «میزان تعاملات»، «الگوهای نهادی» و «هویت‌های مشترک» تعریف می‌شود، لذا ضروری است هر منطقه را بر مبنای ارتقاء تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی هویتی تحلیل کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۵).

یکی از ابزارهای تجمیع منابع سیاسی و تأمین امنیت و منافع ملی، همکاری دولت‌ها از طریق منطقه‌گرایی است (Binder, 1958: 411). توسعه منطقه‌گرایی، آسیب‌پذیری دولت‌ها را کاهش خواهد داد و وابستگی متقابل در یک جغرافیای مشخص، سبب تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌شود. از نظر بیشتر دولت‌ها، امنیتی شدن سیاست‌های یک دولت به موضوعات و کنش-گران مجاور خود مربوط است (Lemke, 2002). اگر تمام یا بخشی از تهدیدهای موجود علیه دولت‌ها مشترک باشد امکان شکل‌گیری یک جامعه امنیتی تسریع می‌شود (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۳۷). اما هرگاه کشورها به سبب اطلاعات ناکافی، تلقی نادرستی از نیات همسایگان خود داشته باشند، چالش امنیتی مانع از شکل‌گیری اتحادها و پایداری آن‌ها می‌شود (Snyder, 1984: 470).

نظریه امنیت منطقه‌ای ارائه‌دهنده مدلی امنیتی است که امکان تحلیل، تبیین و تا حدودی پیش‌بینی تحولات یک منطقه را بررسی می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۱). امنیت منطقه‌ای، نظامی است که بازیگران یک جغرافیای خاص در صدد ایجاد، حفظ و ارتقاء امنیت خود در مقابل سایر بازیگران و ملزم به پیروی از قواعد، اقتضائات و چارچوب‌های ویژه‌ای هستند. این امنیت بر سه اصل «الگوهای دوستی و دشمنی»، «اختلاف‌ها و هم‌بستگی‌های نژادی» و «فروپاشی نظام

دوقطبی» استوار است (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). اگر علایق و وابستگی‌های امنیتی گروهی از کشورها چنان به هم وابسته باشد که امکان تفکیک آن دشوار باشد، در این صورت یک مجموعه امنیتی تشکیل می‌شود و از آن‌جا که تهدیدها در فاصله‌های کوتاه، زودتر و آسان‌تر از فاصله‌های بلند منتقل می‌شوند، لذا در مجموعه، وابستگی متقابل امنیتی موجب همکاری بازیگران منطقه‌ای می‌شود (آدرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶ الف: ۱۴۱).

امنیت مشارکتی جهت وصل حلقه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی از طریق تفاهم، همکاری و گفت‌وگوهای دو و چند جانبه در سطح منطقه حاصل می‌شود. اصول چهارگانه حاکم بر ساختار مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارتند از:

- ۱) ساختار آنارشیک؛ به طوری که دو یا چند واحد مستقل در منطقه حاضر باشد؛
- ۲) قطبیت؛ که چگونگی توزیع قدرت میان واحدها را بیان می‌کند؛
- ۳) مرز؛ که مجموعه را از مجموعه‌های همسایگان تفکیک می‌کند؛
- ۴) ساخت اجتماعی؛ که الگوهای دوستی و دشمنی میان این واحدها را شامل می‌شود- (عبدا...خانی، ۱۳۸۹: ۲۸۱-۲۸۰).

یکی از اهداف طرح نظریه امنیت منطقه‌ای، برجسته‌سازی سطح منطقه به‌عنوان سطحی کاربردی و مناسب برای تحلیل امنیت، درک روابط امنیتی هر منطقه و نیز توصیف جامع لایه‌های مختلف این روابط است. بوزان بر این باور است که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای واکاوی مسائل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. وی منظور از ارائه سطح تحلیل میانه را تلاشی در جهت پر نمودن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین‌الملل) می‌داند (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۲-۲۱۹)؛ بنابراین بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دوی آن‌ها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آن‌ها به‌صورت منطقی نمی‌توانند جدا از یکدیگر تجزیه و تحلیل یا حل‌وفصل شود» (Buzan, Wæver and De Wilde, 1998, 201). در این‌جا دو مقوله «چگونگی روابط امنیتی» و «نزدیکی جغرافیایی» بین واحدهای سیاسی حائز اهمیت می‌باشد. شرط «جغرافیا» هر چند لازم است اما کافی نیست. یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، فضا و مکان جغرافیایی خاصی است که در آن روابط امنیتی سلسله‌وار به هم مرتبطند و اعضای آن واحدهایی هستند که غالباً و به‌طور مستمر در تعامل مثبت، منفی یا خنثی هستند (مورگان، ۱۳۹۲: ۵۵).

نظریه مذکور به دنبال تحلیل چهار سطح از امنیت می‌باشد:

- ۱) اوضاع داخلی، شامل توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های دولت‌ها؛
- ۲) روابط دولت-دولت؛
- ۳) تعامل منطقه با مناطق همسایه؛
- ۴) نقش قدرت‌های جهانی در منطقه.

در پژوهش حاضر سطح دوم با تأکید بر دولت‌های اصلی رقیب ایران یعنی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به اختصار بررسی می‌شود و در تدوین راهبردها دیگر سطوح نیز مورد توجه قرار می‌گیرند.

خاورمیانه: یک مجموعه امنیتی همواره بحرانی

از فردای جنگ جهانی دوم، هیچ دهه‌ای در خاورمیانه بدون جنگ نبوده است (روحی‌دهبانه، ۱۳۹۵: ۱۱) به نظر می‌رسد آینده آسیا مانند گذشته اروپا است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵ الف: ۱۰۱). این منطقه آشوبناک‌ترین منطقه جهان است و علت آن را می‌بایست در «تاریخ پر التهاب دخالت‌های استعماری»، «ساختارهای نامتوازن و ضعیف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی»، «فراوانی منابع زیرزمینی»، «مداخله قدرت‌های جهانی» و «تنش‌ها و تضادهای فرهنگی منطقه‌ای» جستجو کرد. به احتمال زیاد در آینده نیز گرفتار آشوب خواهد ماند، مگر آن که نظم منطقه‌ای نوینی در آن پدید آید (Haass, 2014).

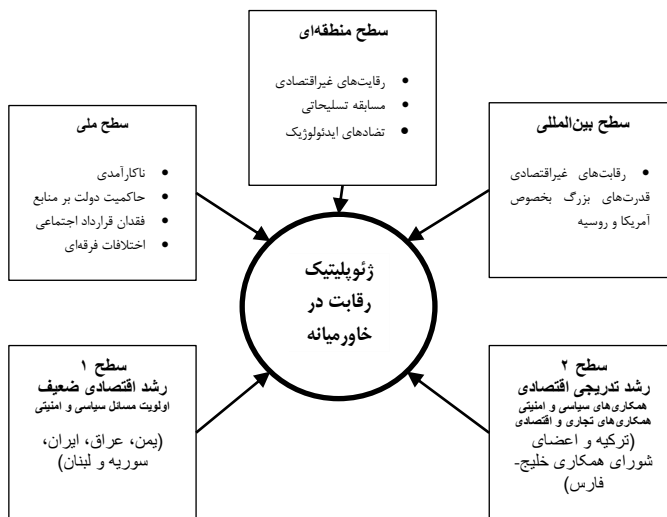
وضعیت آنارشیک این منطقه نیز بیش از آن که ناشی از متغیرهای واقع‌گرایانه باشد، بر تعارض-های هویتی مبتنی است. نمونه بارز این مسأله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است؛ این جنگ در وهله اول نبرد بین ملی‌گرایی عربی صدام و اسلام شیعی ایران بود (ادیب‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

محیط امنیتی کشورها برآیند عواملی است که از یک طرف نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت-ها و تهدیدهای خارجی در آن نقش عمده‌ای دارند (امینیان، ۱۳۹۰: ۶) و از طرف دیگر «جغرافیا»، «قابلیت‌های تهاجمی» و «نگیزه‌های ایدئولوژیک»، متغیرهای مؤثر در این محیط هستند (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). دوره گذار اجتماعی این منطقه هنوز به مراحل پایانی نرسیده و همین موضوع سبب بی‌ثباتی سیاسی و عدم تعادل در آن شده است (علایی، ۱۳۹۲: ۸۴۶-۸۴۷).

به دلیل ماهیت بازی‌های سیاسی در خاورمیانه، امکان تفاهم، ائتلاف و اجماع میان بازیگران دولتی و غیردولتی آن بسیار ضعیف است و منازعه، ویژگی بلندمدت و آینده این منطقه است. رقابت و چالش‌های امنیتی-نظامی همواره بر هم‌گرایی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی غلبه دارد. نبود یک

ساختار امنیتی مشخص از ویژگی‌های بارز این منطقه است که دست کم با فروپاشی عثمانی و ظهور کشورهای مستقل و پیدایش دولت صهیونیستی و ریزش کشورهای خلیج فارس، تشکیل این ساختار امنیتی را بیش از پیش دشوار کرد (عابدی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴).

علت تداوم تنش‌ها در خاورمیانه «تقابل سنت و مدرنیته»، «نضج ناقص مفهوم دولت‌های ملی» و «تعاملات سطح پایین اقتصادی» است. کشورها بیش از آن که در صدد حل اختلافات باشند به دنبال مدیریت اختلافات هستند؛ بنابراین «بی ثباتی سیاسی»، «رشد اقتصادی ضعیف» و «رقابت‌های تسلیحاتی» ادامه خواهد داشت. (شکل ۱)



شکل (۱) ژئوپلیتیک رقابت در خاورمیانه مبتنی بر سطوح سه‌گانه
(سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

با توجه به نابرابری منابع قدرت کشورهای منطقه، آینده روشنی برای حصول یک موازنه راهبردی پایدار پیش‌بینی نمی‌شود. «شکندگی وضعیت داخلی برخی کشورها»، «حضور گسترده آمریکا»، «بقامحوری»، «فقدان یک نظم امنیتی پایدار»، «معمای امنیتی»، «نگرانی دائمی از وقوع جنگ»، «فقدان یک تهدید مشترک واقعی»، «سیاست‌های خارجی ناهمگون و متضاد»، «وابستگی متقابل اقتصادی بسیار کم»، «نبود یک بازیگر معتمد و قدرتمند»، «رشد تروریسم، افراط‌گرایی و بنیادگرایی»، «شکاف‌های هویتی و قومی»، «رشد بیکاری و کاهش رفاه عمومی»، «عضلات زیست‌محیطی» از ویژگی‌های دائمی خاورمیانه است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۸؛ آذرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

هرچند دغدغه مشترک کشورهای خاورمیانه حول محور امنیت است اما تاکنون ساختار منسجمی برای مدیریت بحران‌ها و عبور از امنیتی‌شدن شکل نگرفته است. در منطقه همواره پویش‌های امنیتی از جریان طبیعی خود خارج می‌شوند و الگوی روابط کشورها را دست‌خوش تغییرات اساسی می‌کنند. (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۶) برای مثال در روابط کشورهای خلیج‌فارس تأثیر هویت‌های فراملی برجسته‌تر از موازنه قدرت در بین آن‌هاست (Gause, 2009: 10). تنش‌های هویتی، مخاطرات گسترده‌ای را برای خاورمیانه به‌دنبال دارد (Alavi, 2005: 118). هویتی‌شدن رقابت‌های ژئوپلیتیکی علت اصلی تنش‌های ایران با عربستان و رژیم صهیونیستی است، به طوری که هر یک از این بازیگران در صدد نظم امنیتی مبتنی بر قدرت خود هستند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۲). درک چنین شرایطی مستلزم دانستن سیاست‌های حفظ وضع موجود، موازنه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی راهبردی است (Ansari, 2006: 21).

گذار از رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی را می‌توان علت اصلی تصاعد بحران‌های خاورمیانه دانست و همین تضادها در بستر تاریخی خود به جدال‌های امنیتی ختم می‌شوند. ظهور داعش از طریق نشانه‌های هویتی، نمونه‌ای از گسترش بحران است؛ نشانه‌هایی که در شکل‌بندی قدرت و امنیت منطقه‌ای متجلی می‌شوند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷). مادامی که رقابت‌های کاذب قدرت‌های منطقه‌ای به سرانجام مشخصی نرسد و زمینه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از بین نرود، خلأ قدرت سبب روی کار آمدن افراط‌گرایانی همچون داعش خواهد شد.

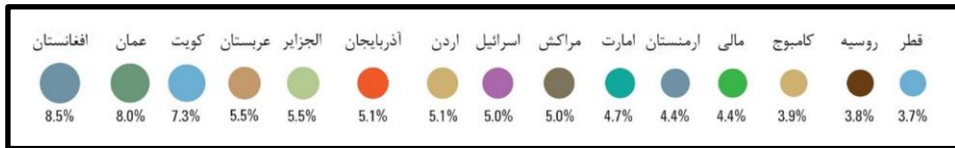
کشورهای منطقه درگیر یک رقابت خاموش تسلیحاتی هستند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۵۴). در مقایسه با دیگر مناطق جهان، خاورمیانه در نظامی‌گری و خرید تسلیحات و مسابقه تسلیحاتی بالاتر قرار دارد و تضادهای ارضی و مرزبندی‌های هویتی همچنان این منطقه را در بی‌ثباتی باقی می‌گذارد (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۶۴-۲۶۵) و بعید است این رقابت زمینه بازدارندگی و درگیر نشدن کشورها در بحران‌ها و جنگ‌های جدید را فراهم آورد.

به نظر می‌رسد وضعیت خاورمیانه گذار از نظم آمریکایی پساجنگ سرد به جهان پس‌آمریکایی نامنظم است (Valbjørn, 2019: 20) و کشورهایی هم‌چون ایران درصدد تعریف نقش منطقه‌ای خود، خارج از نظم غربی هستند (Kamrava, 2018: 4-7). سیاست امنیتی مبتنی بر همکاری منطقه‌ای ذیل حفظ وضع موجود نشان از حالت گذار در ساختار امنیت منطقه‌ای دارد. تأکید بر تعادل مؤثر و سازنده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱الف: ۴۷).

اغلب کشورهای عرب خاورمیانه با نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان همراهی می‌کنند و ایران را هم در قبل از انقلاب با افزایش قدرت نظامی و هم بعد از انقلاب با سیاست صدور انقلاب متهم به

توسعه‌طلبی و امنیت‌زدایی در منطقه می‌کنند (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۷۱). در چنین وضعیتی ایران نیز در جهت توازن تحلیل و حفظ امنیت سرزمینی خود، توان نظامی‌اش را بالا می‌برد که این امر موجب پیچیده‌تر شدن چالش امنیتی در منطقه می‌شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۵۲).

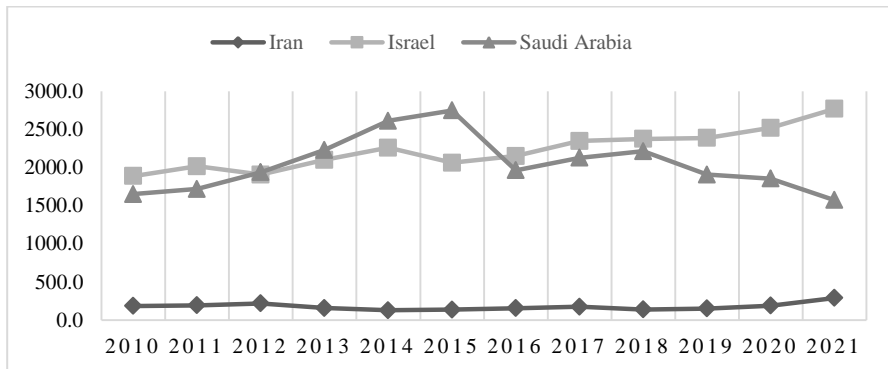
شکل ۲ نشان‌دهنده سرانه بودجه دفاعی ۱۵ کشور نخست جهان در سال ۲۰۲۱ است که از این تعداد ۱۰ کشور ارتباط مستقیم همسایگی و رقابتی با ایران دارند. (۱۴ کشور دارای مرز خاکی و آبی و رژیم صهیونیستی رقیب منطقه‌ای)



شکل (۲) بودجه دفاعی ۱۵ کشور اول جهان بر مبنای تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۱ (ISS, 2022: 9)

(تحلیل مقایسه‌ای تنها در مورد کشورهایی که داده‌های کافی داشته‌اند، صدق می‌کند.)

شکل ۳ سرانه بودجه نظامی ایران، عربستان و رژیم اسرائیل را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد؛ نکته قابل تأمل جایگاه ایران در این رقابت است و تلاش این کشور در افزایش توان نظامی با دو کشور دیگر به طرز معناداری کمتر است و گویای این واقعیت است که ایران برای برتری منطقه‌ای، صرفاً امنیت را از منظر نظامی تعریف نمی‌کند.



شکل (۳) سرانه بودجه نظامی سه قدرت منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ (SIPRI, 2021)

مفهوم قفل‌شدگی در مجموعه امنیتی خاورمیانه

ملی‌گرایی اقتصادی و سیاسی سبب شده کشورها در صدد گسترش نفوذ، تثبیت قدرت و ارتقاء جایگاه خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. از طرفی در مقایسه با کشورهای صنعتی، فرایندهای جهانی‌شدن جذابیت‌های بیشتری برای کشورهای در حال توسعه دارد (Niblett, 2017: 19). هر چند تحولات مثبتی در حوزه‌های مربوط به توسعه انسانی از اواخر قرن بیستم در کشورهای منطقه پدیدار شده، اما عمده‌ترین بحران در اغلب کشورهای خاورمیانه، توسعه نیافتگی اقتصادی است (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۳).

اگر ظرفیت‌های اقتصادی در سطح راهبردی فعال شوند، امکان حفظ وضع موجود و گسترش سطح تعاملات در حوزه امنیت ملی وجود خواهد داشت (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۱ ب: ۴۸). سیاست خارجی کشورها در شکل‌گیری محیط رقابت اقتصادی و تعامل سیاسی منطقه‌ای، انگیزه‌های لازم دولت‌ها را بر ارتقاء سطح همکاری‌های منطقه‌ای در پی دارد (Kagan, 2010: 4). اگر این مهم منجر به صلح در سطح منطقه‌ای شود سیاست حفظ وضع موجود به شکل مؤثرتری قابل پیگیری است (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۱ ج: ۴۹) و اصلاحات ساختاری در سطح نهادی نقش تسریع‌کننده این روند را بر عهده دارند (Keddie, 2003: 83).

رمز موفقیت کشورها در کسب منافع اقتصادی بیشتر، ایجاد روابط پایدار با سایر کشورها به‌خصوص همسایگان است. «کاهش سطح تنش‌های سیاسی»، «ارتقاء سطح داخلی اقتصاد» و «هماهنگی نهادهای مؤثر» اصول موفقیت در دیپلماسی اقتصادی می‌باشد. این امر نه تنها به حل معماهای امنیتی می‌انجامد، بلکه زمینه وحدت و انسجام را هم فراهم می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱). آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها، آن‌ها را ناگزیر از چندجانبه‌گرایی به‌خصوص در بین کشورهای در حال توسعه کرده است. بنابراین از این رهیافت، امنیت کشور بهتر تأمین می‌شود. اگر کشوری ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های اساسی داشته باشد و بنیاد قدرت آن‌ها اقتصادی، مالی و فناوری نباشد، همیشه قابل پیش‌بینی نیستند و نیاز چندانی به روابط با قدرت‌های جهانی احساس نمی‌کند، در نتیجه بر قدرت نظامی متمرکز می‌شوند (سریع‌القلم، ۱۳۹۵ ب: ۱۰۱). از طرفی «فساد» بزرگ‌ترین مانع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی است و با تحریف مقررات قانونی، بنیان‌های نهادینه‌ای که رشد اقتصادی به آن وابسته است را تضعیف می‌کند. نارسایی‌های اقتصادی و انسداد سیاسی در بستر ملی کشورهای خاورمیانه منجر به بحران‌هایی شده که تداوم این بحران‌ها پای بازیگران منفعت‌طلب را برای بهره‌برداری‌های اغلب متعارض با امنیت ملی آن‌ها باز می‌کند (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

اگر اقتصاد کشورهای خاورمیانه مکمل یکدیگر باشند، ارتقاء سطح روابط تجاری را به دنبال دارد و کشورها از حالت صرفاً رقیب به شریک تبدیل می شوند (Kay and Wherey, 2007: 11). هم-چنین مشارکت همه کشورهای منطقه در تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طریق گفت‌وگو، توافق و اعتماد راه برون‌رفت از تنگناهای امنیتی است.

در این بین، قفل‌شدگی منافع اقتصادی سبب بنای ثبات و امنیت منطقه‌ای شده که این امر منجر به پایداری در روابط سیاسی همسایگان و در نهایت خنثی‌سازی قدرت مانور قدرت‌های مداخله‌گر خارج از منطقه خواهد شد. با وجود شرایط مناسب جغرافیایی، سیاست همسایگی ایران منجر به ارتقاء جایگاه این کشور در بین ده شریک اول تجاری و بازرگانی با همسایگانش نشده است؛ لذا سیاست‌های اقتصادی ایران باید به سوی «حمایت از تولید داخل»، «متنوع‌سازی صادرات و واردات» و «تحکیم روابط دو و چندجانبه با همسایگان» حرکت کند.

شاخص‌های مؤثر در قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

اگر سقوط کشوری منجر به بروز خشونت در ورای مرزهای آن شود می‌توان آن کشور را یک قدرت منطقه‌ای به حساب آورد (Chase, Hill & Kennedy, 1996: 35). در واقع این نقش به واسطه نظم‌سازی امنیتی در منطقه به چنین کشوری نسبت داده می‌شود. «پویایی داخلی»، «تمایل برای پذیرش رهبری منطقه‌ای»، «داشتن ظرفیت لازم برای ایفای نقش» و «مقبولیت لازم از طرف سایر بازیگران»، پیش‌شرط‌های وجود این قدرت می‌باشند (Schoeman, 2003: 353).

کشورها در فرآیندهای منطقه‌ای، در صدد کسب قدرت و افزایش امنیت هستند. از طرفی امنیت منطقه‌ای برآمده از توازن قدرت است. اگر کشوری با تکیه بر عناصر هنجاری زمینه لازم برای استقرار صلح و امنیت را از طریق امنیت‌سازی مشارکتی و ابتکارات راهبردی سازمان‌یافته در منطقه فراهم کند، سطح گسترده‌ای از احترام را برای خود به ارمغان می‌آورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴۱). رقابت برای ارتقاء جایگاه و افزایش نفوذ در سطح منطقه‌ای و جهانی به شدت در حال افزایش است و خاورمیانه به عنوان یک مجموعه منطقه‌ای، نمونه‌ای چندوجهی از این معادلات قدرت است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: پ: ۱۳۵).

در شرایطی که بازیگران منطقه‌ای خواستار تجدیدنظر در وضع موجود باشند و تلاش آن‌ها منجر به شکل‌گیری معمای امنیتی شود، «بحران» به «منازه» ارتقاء می‌یابد و شاهد مبارزه این

بازیگران در دستیابی به قدرت، ارزش‌ها و منزلت‌طلبی با هدف نابودی، خنثی‌سازی و آسیب رساندن به رقیب خواهیم بود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۲۹۶).

ایران روند تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای را از ابتدای دهه ۱۳۸۰ ه.ش آغاز کرده است و سعی دارد بابت این موضوع همسایگان را متقاعد کند (Nasr, 2007: 13). برای مثال همراهی آمریکا با ایران در حل مسائل عراق و افغانستان نشان از جایگاه منطقه‌ای ایران دارد. نفوذ و قدرت ایران در این کشورها برای حل بحران سیاسی و امنیتی نیز مورد پذیرش کشورهای منطقه می‌باشد (حاجی-یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۰: ۴۵). تداخل سطوح گوناگون منافع، تغییرات ژئوپلیتیکی و دغدغه‌های امنیتی بازتاب واقعیت ماهیت روابط ایران و اعراب است (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳) و تنظیم صحیح روابط با کشورهای عربی همسایه، به‌ویژه عربستان اصلی‌ترین عامل در برتری منطقه‌ای ایران است (واعظی، ۲۰: ۱۳۸۸-۲۱). شاخص‌های قدرت ایران شامل «جمعیت زیاد و جوان»، «سطح بالای تولید ناخالص داخلی»، «قدرت بازدارندگی نظامی»، «توانمندی‌های هسته‌ای»، «قدرت مقاومت و ایستادگی در برابر بیگانگان» و «توانایی تأثیرگذاری، نفوذ بالا و پذیرش نقش مثبت در معادلات منطقه‌ای» می‌باشند (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۲۶۵).

آنچه ممکن است کشورهای منطقه را نسبت به دستیابی ایران به قدرت برتر منطقه حساس کند تنها از طریق تعامل سازنده، به‌خصوص در حوزه اقتصادی قابلیت ابهام‌زدایی دارد. عبور از اهداف صرفاً سیاسی - امنیتی و گسترش همکاری‌های علمی، فناوری و اقتصادی گام بزرگی در رفع دغدغه‌های این کشورها است (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۵). اگر ماهیت ادراک کشورهای منطقه از نوع رابطه با ایران منجر به ارتقاء حس «تأمین منافع ملی»، «گسترش ظرفیت‌های اقتصادی» و «رشد و توسعه اقتصادی خود» شود، آن‌گاه می‌توان امنیت را در سطح منطقه به گونه‌ای تثبیت کرد که دغدغه‌های اقتصادی را جایگزین نگرانی‌های نظامی کند؛ چیزی که تاکنون ایران موفق به انجام آن نشده است. برای مثال کسب برتری فنی در حوزه نظامی برای ارتقاء قدرت ایران در راستای توازن با رژیم اسرائیل است. در واقع این برتری از نظر ایران امنیت‌آفرین، پیشرفت‌محور و اعتبارافزا است (آذرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

نفوذ وسیع ایران در عراق نوعی عمق راهبردی است که سبب توجه خاص مردم و حاکمان این کشور به ایران برای ثبات‌سازی می‌شود (Carpenter and Innocent, 2007). مقابله با نفوذ ایران یکی از اولویت‌های سیاست خارجی اغلب کشورهای عرب خاورمیانه است، تا جایی که تعریف «دیگری» در گفتمان امنیت ملی آن‌ها، «ایران شیعی» است (حاجی‌یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۰:

۵۳). نزدیکی کشورهای عربی و رژیم اسرائیل، علنی شدن روابط آن‌ها و تلاش برای ایجاد چتر پدافندی مشترک با این رژیم در همین چارچوب قابل تفسیر است.

مناسبات و رقابت‌های ایران و عربستان در مجموعه امنیتی خاورمیانه

خاورمیانه نیازمند یک صلح سرد بین ایران و عربستان است (Goldberg, 2016). خروجی‌های ژئوپلیتیک منطقه بیش از هر چیز متأثر از رقابت‌ها، تفاوت‌ها و اختلاف‌های قدرت‌های سنتی این منطقه است. «القای تصویری خطرناک از چهره ایران»، «برآوردهای نادرست از سیاست این کشور»، «تشبیه آن به یک گول بزرگ سیاسی، نظامی و آشوب‌طلب» و «تضعیف اقتصاد آن» یکی از تحولات مهم ژئوپلیتیک آن است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ نوعی اختلال در توازن شیعه و سنی در منطقه بود که سبب می‌شد یک کشور عربی توسط یک دولت شیعی اداره شود و همین موجب نگاه منفی عربستان به نقش منطقه‌ای ایران می‌شد (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

عربستان با ترسیم افق ۲۰۳۰ در پی تنوع‌بخشی به اقتصاد و چندبخشی و صنعتی‌تر کردن آن است تا ضمن کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، منابع جدیدی را از طریق مالیات‌ستانی، فروش کالا و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی به‌دست آورد. بسیاری از کشورهای عربی خلیج‌فارس نیز در مقیاسی کوچک‌تر در این مسیر گام نهاده‌اند (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

امنیت و ثبات حوزه ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس با همکاری و نزدیکی ایران و عربستان میسر می‌شود. بنابراین ایران جهت نیل به اهداف و منافع ملی خود در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، اسلام-محوری را به‌جای مذهب‌محوری، پیش‌نیاز سیاست‌خارجی خود قرار داده است.

در سطح منطقه‌ای، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق نگران است. تحولات چند سال گذشته در منطقه که موجب افزایش نفوذ ج.ا. ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی سعودی‌ها در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه شده است. این نگرانی‌ها به‌همراه حساسیت و سوءظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض جهت تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است. سعود الفیصل، وزیر خارجه اسبق عربستان گفته که جنگ در عراق، این کشور را به ایران تقدیم کرد (حاجی‌یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۰: ۶۸).

حکمرانان سعودی با وجود ذخایر عظیم نفتی، همواره ثروت سرشاری داشته‌اند. عربستان ۱۷.۲ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت جهان (در حدود ۲۹۷.۵ میلیارد بشکه) را تا پایان سال ۲۰۲۰ در اختیار داشته (BP, 2021: 16) و از این منظر، شرایط سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا دارد.

عربستان هم در مسائل منطقه‌ای و هم در گستره جهان اسلام با صرف هزینه‌های زیاد برای خود حوزه نفوذ قائل است. انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در روابط دو کشور بود، به‌طوری‌که اعراب تلاش ایران برای صدور انقلاب را تهدیدی علیه خود می‌دانستند و یکی از اهداف اصلی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس مقابله با نفوذ ایران بود. هر چند عربستان تشدید بحران در محیط پیرامونی‌اش را نمی‌پسندد اما از نفوذ و ارتقاء نقش منطقه‌ای ایران نیز خشنود نخواهد بود. نکته حائز اهمیت در این میان درک واقع‌بینانه ایران در تعقیب سیاست‌های منطقه‌ای است، به‌نحوی که ضمن پیگیری منافع خود، توجه کافی به دغدغه‌ها و حساسیت‌های سایر بازیگران هم داشته باشد تا دستاوردهای این کشور برای دیگران شکست و ناکامی تلقی نشود.

مناسبات و رقابت‌های ایران و رژیم اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه

بر اساس دکترین پیرامونی، رژیم اسرائیل بر این باور بود که باید با ترکیه، ایران و اتیوپی به نوعی اتحاد دست یابد تا بتواند منافع و امنیت خود در مقابل تهدیدهای اعراب را حفظ نماید (حاجی-یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵). لذا قبل از انقلاب اسلامی و فروپاشی پهلوی، ایران با اسرائیل روابط دیپلماتیک داشت و نوعی همکاری و بیشتر در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی میان دو کشور ایجاد گردید. مناسبات شاه با رژیم اسرائیل تا آخرین لحظه هر چند مخفی اما مستحکم باقی ماند.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خصومت آشکار به‌سبب ماهیت انقلاب ایران و حمایت از حقوق فلسطینی‌ها، میان دو کشور آغاز گردید که هم‌چنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با رژیم اسرائیل قطع و اعلام نمود این کشور غاصب و غیرمشروع بوده و باید از صحنه روزگار محو گردد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این اساس اعتقاد به این که فلسطین توسط این رژیم به اشغال درآمده و حقوق آنان پایمال شده، تل آویو خطر جدی برای کشورهای اسلامی منطقه و کشوری توسعه‌طلب بوده و به‌دنبال ایجاد اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است، بنا گردید.

جغرافیای بسیار محدود سرزمینی و تاریخ نه‌چندان طولانی رژیم اسرائیل حاکی از یک سردرگمی در سیاست خارجی و امنیت ملی این رژیم می‌باشد، به‌نحوی که قدرت هسته‌ای این کشور

همواره با یک ابهام راهبردی همراه است. حس تاریخی قربانی بودن از طرف ایران، فلسطین و اعراب منشأ روان‌شناختی بسیاری از باورها و سیاست‌های این رژیم است (Gratch, 2015: 231).

از این‌رو به سبب آن‌که ذهن رهبران این کشور معطوف به دفاع از خود بوده، واکنش‌های بیش از اندازه‌ای به تهدید دارند؛ از این منظر، ارتقاء قدرت منطقه‌ای ایران همیشه برای رژیم اسرائیل ناخوشایند است، به‌ویژه تهدید از جانب جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای دغدغه دائمی این رژیم بوده و تلاش برای نزدیکی به همسایگان ایران در این چارچوب قابل ارزیابی و تحلیل است. قواعدی هم‌چون «ممانعت از ورود جمهوری اسلامی ایران به اقتصاد جهانی»، «افزایش هزینه روابط اقتصادی ایران با کشورهای مانند ژاپن و اتحادیه اروپا»، «اخلال در بازار ایران از طریق تشدید بحران ارزی» و «ایجاد تأخیر در سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با این دیدگاه که این کشور باید به‌عنوان یک کشور هرج و مرج طلب، در حد بقا حفظ شود» در راستای منافع رژیم اسرائیل است و سبب کاهش نگرانی‌های امنیتی کشورهای عربی نیز می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۹۵ ج: ۱۳۳).

به‌دنبال مصر و اردن، بحرین و امارات متحده عربی و تا حدود زیادی عربستان دست به عادی‌سازی روابط خود و مشخصاً در زمینه‌های امنیت، فرهنگ، توریسم، بهداشت و انرژی با رژیم اسرائیل زده‌اند. اهداف این رژیم حول محورهای «مهار ایران»، «غلبه بر مشکلات داخلی»، «عمیق‌تر کردن شکاف در بین کشورهای مسلمان»، «فشار بر گروه‌هایی هم‌چون حماس برای تسریع در فرآیند صلح» می‌چرخد. در مقابل، اعراب به منظور «فراموش کردن ناکامی‌ها در برابر رژیم اسرائیل»، «جلب حمایت آمریکا»، «مقابله با قدرت‌یابی ایران»، «غلبه بر بنیادگرایی اسلامی»، «گسترش روابط تجاری» و «دستیابی به فن‌آوری‌های نوین» دست به این کار زده‌اند (زیبایی، نصری و رستمی، ۱۴۰۰: ۴۰-۴۶). با وجود فراز و نشیب‌های توافق هسته‌ای که بین ایران و ۱+۵ حاصل شد، لابی‌های صهیونیستی هم‌چنان مصمم به فرایند امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران هستند؛ تا آن را صرفاً به موضوعی سیاسی و نه فنی محدود کنند.

تعمیق روابط رژیم اسرائیل و اعراب با حضور مستقیم این رژیم در محیط پیرامونی ایران، هدف ایران برای شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای را با چالش‌های فراوانی مواجه می‌کند و منطقه را به سمت توازن تهدید در برابر توازن قدرت سوق می‌دهد. توافق ابراهیم که در نوع خود یک توافق تاریخی است از نظر برایان هوک نماینده سابق آمریکا در امور ایران، کابوس بزرگ تهران است (اختیاری امیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). در این میان، حمایت اعراب به رهبری عربستان از رژیم اسرائیل در مقابل ایران، فرصت بی‌نظیری برای این رژیم است که در این تقابل تنها نباشد (Rahman, 2019: 2).

همکاری‌های اطلاعاتی مخفیانه در اجرای رزمایش‌های نظامی مشترک با وجود روابط غیر رسمی دیپلماتیک، بیانگر حس تهدید مشترک از سوی این کشورهاست (Koduvayur and Daoud, 2020). در سال‌های اخیر رژیم اسرائیل متهم ردیف اول ترور دانشمندان هسته‌ای ایران است. این کشور هرگز اذعان نمی‌کند که برای کشتن ایرانیان اقدام کرده است، اما معمولاً فرض بر این است که آن‌ها مسئول تعداد زیادی از شهادت‌ها و حملات بوده‌اند. جنگ مخفی (و اکنون آشکار) بین ایران و رژیم اسرائیل در حال تشدید و نوید بدی برای امنیت منطقه است و تهدیدی برای اوج‌گیری یک درگیری تمام‌عیار می‌باشد. در همین حال، رژیم اسرائیل هر روشی را به جز جنگ رو در رو که برنامه‌های ایران را به تأخیر می‌اندازد، در صدد افزایش هزینه‌های اجرای برنامه‌های ایران است. گسترش تاکتیک‌های جنگ مخفیانه و بازی‌های جاسوسی بین رژیم اسرائیل و ایران در حال پیچیده‌تر شدن است. بر اساس برآوردهای رژیم اسرائیل، تخمین زده می‌شود که تنها در لبنان، حزب‌الله ۱۵۰ هزار موشک دارد که به سمت رژیم اسرائیل هدف قرار گرفته است (Vohra, 2022).

علی‌رغم تمام تلاش رژیم اسرائیل و متحدان عرب آن به‌خصوص امارات و عربستان، توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی منعقد شد که می‌توان آن را یک «چرخش بزرگ» و نه یک حادثه معمولی قلمداد کرد (مسجدجامعی، ۱۳۹۵: ۳۰)؛ هر چند ترامپ با خروج از این توافق، آرزوهای این محور را محقق کرد اما تحولات پس از آن معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را پیچیده‌تر کرد. نمونه‌های پیشین نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل کوشیده تا از بحران‌های موجود به نفع خود بهره‌برداری‌های سیاسی و راهبردی کند. در سال‌های اخیر بحران‌های متعددی در خلیج فارس و خاورمیانه به‌وجود آمده که به‌طور مشخص موازنه قوای منطقه‌ای را به نفع رژیم اسرائیل تغییر داده است. فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰م، جنگ خلیج فارس برای اخراج عراق از کویت و حمله آمریکا به عراق و اشغال آن کشور، روی کار آمدن داعش و تلاش برای عادی‌سازی روابط با اعراب موازنه قوای منطقه‌ای را دگرگون ساخته است. علاوه بر این در شرایط فعلی هم آمریکا تلاش دارد ساختار خاورمیانه را به‌نحوی بازسازی کند که این ساختار تحت هژمونی رژیم اسرائیل قرار گیرد. این ساختار می‌تواند امنیت ملی ایران را به‌شدت تهدید کند.

بنابراین، تا زمانی که وضعیت کنونی روابط ایران و آمریکا ادامه پیدا کند، تفکیک تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی از آمریکا نه ممکن و نه مطلوب است. با توجه به پیوندهای راهبردی این دو کشور و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی گسترده آمریکا از رژیم اسرائیل، هرگونه تحلیلی که تهدیدهای امنیتی رژیم اسرائیل را با غفلت از نقش و تأثیر آمریکا در نظر گیرد، ناقص است.

پیشینه‌های پژوهش

بخشی از ادبیات تولیدشده پیرامون دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای و رویکردهای امنیت محور در دست‌یابی به قدرت در جدول (۱) مرور می‌شود.

جدول (۱) اهداف، روش‌ها و نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین پیرامون موضوع تحقیق

نویسنده	هدف (اهداف)	روش پژوهش	نتیجه (نتایج)
جوادی- ارجمند (۱۳۸۸)	بررسی رابطه سیاست خارجی ج ا ایران و سند چشم‌انداز در رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای	توصیفی تحلیلی	تخصیصی کردن و افزایش دقت در سیاست خارجی برای دستیابی به اهداف ملی در چارچوب و امکانات ناشی از ثروت ملی و تعامل سازنده با دنیا
حاجی- یوسفی و محمدیان (۱۳۹۰)	بررسی نظم خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بازیگران تأثیرگذار	توصیفی تحلیلی	تحولات خاورمیانه در دهه نخست قرن ۲۱ موجب صعود جایگاه قدرت ج اسلامی ایران شده است.
ماه‌پیشانیان (۱۳۹۰)	بررسی نظریه‌های گوناگون منطقه‌گرایی و تحلیل الگوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران بر مبنای جامعه امنیتی کثرت‌گرا در خلیج فارس	توصیفی تحلیلی	الگوی مورد نظر مبتنی بر «همگرایی و انسجام اسلامی امت‌محور و دولت-محور»، «نفی سلطه بیگانگان» و «تبدیل ایران به کشوری قدرتمند و معتمد میان اعضای منطقه» است.
مصلى نژاد (۱۳۹۳)	بررسی نقش رقابت‌های هویتی و ایدئولوژیک در روند رادیکالیزه شدن تحولات سیاسی و امنیتی خاورمیانه	توصیفی تحلیلی	علت اصلی تصاعد بحران در خاورمیانه تبدیل رقابت‌های ژئوپلیتیک به تضادهای هویتی است.
سریع‌القلم (۱۳۹۵)	تحلیل ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی در نظام بین‌الملل جدید و پیامدهای آن بر تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه	توصیفی تحلیلی	ظهور یک نظام دو قطبی در خاورمیانه که با ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود در پی تقابل و تضعیف یکدیگر هستند.

نویسنده	هدف (اهداف)	روش پژوهش	نتیجه (نتایج)
سازمند و جوکار (۱۳۹۵)	بررسی پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس	توصیفی تحلیلی	شکاف‌های هویتی، اختلاف بر سر قیمت نفت، منازعه بر سر برتری منطقه‌ای و مداخله عامل خارجی سبب تسلط الگوی رقابت در روابط این کشورها شده است.
آذرشب و مؤمنی (۱۳۹۶)	تعیین الزامات امنیت منطقه‌ای و راهبرد امنیتی ایران در خاورمیانه	توصیفی تحلیلی	امنیت منطقه‌ای مستلزم ساختارهای مشارکتی بر پایه اعتماد متقابل است و راهبرد ایران در این زمینه تعامل سازنده با کشورهای دیگر است که در نهایت منجر به تهدیدزدایی و غیر امنیتی شدن خواهد شد.
سلمانی-جلودار، برزگر، ذاکریان و احمدی (۱۳۹۹)	بررسی تأثیر برجام بر راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای ایران	توصیفی تحلیلی	۵+۱ همزمان که نظم هسته‌ای حاکم در خاورمیانه را دنبال می‌کنند از ابزارهای دیگری مانند موازنه، اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای، مهار، تضعیف محور مقاومت و تقلیل بازدارندگی دفاعی برای تغییر سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای ایران استفاده می‌کنند.
زیبایی، نصری و رستمی (۱۴۰۰)	بررسی پیامدهای عادی‌سازی مناسبات اعراب و رژیم اسرائیل بر محیط امنیتی ایران	توصیفی تحلیلی	«برهم خوردن معادلات توازن قدرت در منطقه»، «رشد گروه‌های افراطی»، «بسط نفوذ آمریکا در منطقه» و شکل‌گیری نظم پسدادشی در غیاب ایران
کریمی، موسوی شفائی، اسلامی و اسدی	بررسی تأثیر پویایی‌ها و تحولات منطقه‌ای و جهانی بر نقش و کنترل رفتاری بازیگران خلیج-فارس	تبیینی تحلیلی	پویایی‌های موصوف منجر به تغییر نظم خلیج فارس شده و به دنبال آن نقش برخی کنش‌گران از جمله امارات عربی متحده از میانه‌روی و تبعیت به کنشگری فعال در عرصه سیاسی

نویسنده	هدف (اهداف)	روش پژوهش	نتیجه (نتایج)
(۱۴۰۱)			نظامی و امنیتی در یک دهه گذشته تغییر کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه نتایج حاصل از پژوهش مورد استفاده سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در بالاترین سطوح حاکمیتی قرار می‌گیرد، کاربردی و به‌سبب اینکه موجب گسترش و تعمیق راهبردهای مناسب در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شود، توسعه‌ای است. جامعه آماری به‌صورت هدفمند از بین خبرگان دانشگاهی و نظامی (دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، دفاع ملی، دافوس آجا، فارابی و مرکز مطالعات راهبردی آجا) که مطالعات و تحقیقات عمیق و نسبتاً عمیق درباره موضوع تحقیق داشته‌اند، به تعداد ۲۹ نفر انتخاب شد و با توزیع پرسش‌نامه شامل ۲۲ گویه برای نقاط قوت، ۲۵ گویه برای نقاط ضعف، ۲۵ گویه برای فرصت‌ها و ۲۹ گویه برای تهدیدات، در طیف پنج سطحی لیکرت آراء ایشان جمع‌آوری گردید.

جدول (۲) ویژگی‌های جامعه آماری

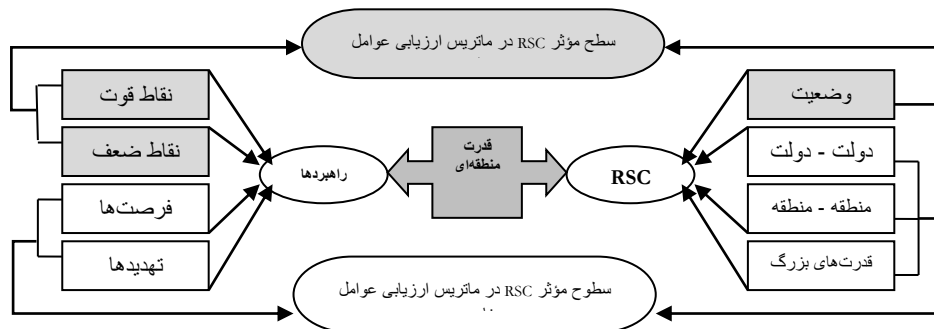
مدرک تحصیلی (تعداد)	زمینه فعالیت (تعداد)	تجربه مطالعه و تحقیق درباره موضوع (تعداد)	حوزه فعالیت (تعداد)
کارشناسی ارشد (۶)	پژوهشی (۱۴)	کمتر از ۱۰ سال (۳)	صرفاً سیاسی (۴)
دانشجوی دکتر (۶)	آموزشی (۲)	۱۰ تا ۱۵ سال (۴)	صرفاً اقتصادی (۰)
دکتر (۱۷)	اجرایی (۰)	۱۵ تا ۲۰ سال (۳)	صرفاً اجتماعی (۰)
	ترکیب دو یا سه مورد (۱۳)	۲۰ تا ۲۵ سال (۸)	صرفاً نظامی (۲)
		بیشتر از ۲۵ سال (۱۱)	ترکیب دو یا چند مورد (۲۳)
مجموع (۲۹ نفر)	مجموع (۲۹ نفر)	مجموع (۲۹ نفر)	مجموع (۲۹ نفر)

روش تحقیق آمیخته (کمی-کیفی) از نوع موردی-زمینه‌ای و روش گردآوری اطلاعات، علاوه بر پرسش‌نامه، کتابخانه‌ای و بررسی کتب، اسناد، مقالات و گزارش‌های پیرامون موضوع می‌باشد. عوامل چهارگانه محیطی با استفاده از روش خبرگی و با توزیع پرسش‌نامه بین خبرگان احصاء؛ بر مبنای ماتریس SWOT، راهبردها استخراج؛ از طریق ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی^۱ وضع فعلی، مشخص و بر اساس ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی^۲، راهبردهای احصائی، اولویت-بندی می‌شوند.

قلمرو زمانی از ابتدای انقلاب اسلامی در ایران تا به امروز با نگاه آینده‌پژوهانه برای نیل این کشور به قدرت برتر منطقه‌ای است. قلمرو مکانی نیز خاورمیانه از سرزمین‌های اشغالی تا کشورهای شمال، جنوب، شرق و غرب ایران با تأکید بر ترکیه، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای ایران می‌باشد. روایی پرسش‌نامه به تأیید خبرگان (جامعه آماری) رسید و پایایی آن طی آزمون آلفای کرونباخ با عدد ۰.۹۰۰ مورد تأیید قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

تدوین راهبرد سبب می‌شود یک سازمان (یک کشور) به تدریج با بهبود وضع موجود، آینده بهتری را ترسیم کند؛ هرچند نقش متغیرهای پیش‌بینی نشده به‌خصوص در روابط بین کشورها می‌تواند راهبردها را با چالش مواجه کند (دیوید، ۱۳۹۰: ۳۴۸).



شکل (۴) چگونگی ارتباط مؤلفه‌های مجموعه امنیت منطقه‌ای و راهبردهای حاصل از SWOT

^۱ Strategic Position and Action Evaluation (SPACE)

^۲ Quantitatively Strategic Planning Matrix (QSPM)

طی ۸ مرحله ماتریس SWOT تشکیل و در مراحل ۱ تا ۴ فهرستی از نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی تهیه گردید. با مقایسه نقاط قوت و فرصت‌ها، راهبردهای SO، مقایسه نقاط ضعف و فرصت‌ها، راهبردهای WO، مقایسه نقاط قوت و تهدیدات، راهبردهای ST، و مقایسه نقاط ضعف و تهدیدات، راهبردهای WT استخراج شده است.

ارزیابی عوامل داخلی

در ارزیابی عوامل داخلی با جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف در جدول ۴ میانگین پاسخ حاصل از گویه‌های پرسش‌نامه را بعنوان ضریب اهمیت در وزن هر عامل ضرب و وزن موزون به‌دست آمده است.

جدول (۴) گویه‌ها، ضریب اهمیت (میانگین)، وزن و وزن موزون نقاط قوت و ضعف

نقاط قوت			
مشخصه	گویه	ضریب اهمیت	وزن موزون
S1	انسجام ملی بین اقشار مختلف ایرانی	۳.۶	۰.۰۲۲
S2	روحیه سلحشوری و ایثار در تهدید خارجی	۴.۱	۰.۰۲۲
S3	ایستادگی و مقاومت ایرانیان در برابر فشارهای خارجی	۳.۶	۰.۰۲۲
S4	ارتقاء سطح علمی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه	۳.۱	۰.۰۲۲
S5	جامعه جوان و نیروی کار نسبتاً ارزان و متخصص	۳.۶	۰.۰۲۲
S6	الهام‌بخشی فرهنگ شیعی	۳.۴	۰.۰۲۲
S7	گسترش زیرساخت‌های عمرانی، جاده‌ای، ارتباطات و صنعتی	۳.۴	۰.۰۲۲
S8	تمایل شدید جامعه به تحول، رشد و پیشرفت	۳.۹	۰.۰۲۲
S9	منابع مادی همچون معادن، نفت و ظرفیت‌های طبیعی	۴.۲	۰.۰۲۲
S10	ژئوپلیتیک برتر ایران و قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی مناسب	۴.۲	۰.۰۲۲
S11	ظرفیت مناسب جهت گسترش گردشگری	۳.۹	۰.۰۲۲
S12	ظرفیت ایرانیان در سراسر جهان جهت بازنمایی چهره مثبت ایران	۳.۵	۰.۰۲۲
S13	حضور مستشاران نظامی ایران در کشورهای جبهه مقاومت	۳.۴	۰.۰۲۲

۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۲	قدرت بازدارندگی موشکی	S14
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	اشراف اطلاعاتی ایران برای مقابله با تهدیدات	S15
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۵	تجربه هشت سال دفاع مقدس	S16
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۶	ظرفیت بالقوه و بالفعل بهره‌گیری از جنگ نامتقارن	S17
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	عمق استراتژیک مناسب سرزمینی	S18
۰.۰۷	۰.۰۲۲	۳.۴	صراحت در اعلام سیاست‌های کلان در عرصه بین‌الملل	S19
۰.۰۷	۰.۰۲۲	۳.۱	دفاع از مستضعفان جهان بعنوان اصل در سیاست خارجی	S20
۰.۰۷	۰.۰۲۲	۳.۴	نفی سطله بیگانگان به‌عنوان یک اصل در سیاست خارجی	S21
۰.۰۷	۰.۰۲۲	۳.۴	تکیه بر فرهنگ و تمدن باستانی ایرانی و گذشته افتخارآمیز	S22
مجموع امتیاز نقاط قوت				
نقاط ضعف				
وزن موزون	وزن	ضریب اهمیت	گویه	مشخصه
۰.۱۰	۰.۰۲۲	۴.۶	مشکلات و موانع ساختاری در اقتصاد ایران	W1
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۷	ناکامی در نمایش چهره مثبت از فرهنگ شیعی ایرانی	W2
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۲	ناامیدی جامعه به‌دلیل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی	W3
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۲	افزایش بی‌اعتمادی مردم بواسطه ناکارآمدی کارگزاران	W4
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	فقدان روحیه کارجمعی و افزایش قانون‌گریزی و پرخاشگری	W5
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	افزایش روحیه اشرافی در بین دست‌اندرکاران حاکمیتی	W6
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۶	شکاف بین نسلی به سبب تحولات سریع اجتماعی	W7
۰.۰۷	۰.۰۲۲	۳.۱	بی‌توجهی به کارکرد مثبت زنان در جامعه	W8
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۷	بروکراسی پیچیده و زمان‌بر در حوزه‌های اجرائی و قضائی	W9
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	گسترش فضای مجازی بدون فرهنگ‌سازی مناسب	W10
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	گسترش نامتوازن دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	W11
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۲	عدم تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران	W12
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، اسراف و مادی‌گرایی	W13

۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	تأکید بر خام‌فروشی منابع بدون توجه به صنایع تبدیلی	W14
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۰	گسترش فاصله طبقاتی و از بین رفتن طبقه متوسط	W15
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۳.۹	کشف فسادهای اقتصادی کلان در سطوح بالای حاکمیتی	W16
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۵	حمایت ناکافی از تولید داخل و گسترش واردات کالاهای مصرفی	W17
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۰	تولید داخلی بی کیفیت و عدم پاسخگویی از سوی تولیدکنندگان	W18
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۲	وابستگی بودجه به نفت	W19
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	عدم پیشرفت اطمینان بخش در حوزه‌های مختلف پ غ ع	W20
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۷	تغییر سبک زندگی خانواده ایرانی از معنویت به مادی-گرایی	W21
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	بی‌برنامه‌گی، تندروی و رفتار نامناسب ذیل انقلابی‌گری	W22
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۱	سرگرمی مسئولین به منازعات سیاسی بی‌ثمر	W23
۰.۰۸	۰.۰۲۲	۳.۸	رفتارهای قومی و قبیله‌ای در بخش‌های مختلف	W24
۰.۰۹	۰.۰۲۲	۴.۳	بی‌توجهی به خشکسالی، فرسایش خاک و بروز بحران‌های زیستی	W25
۲.۱۶	مجموع امتیاز نقاط ضعف			

با کم کردن مجموع اوزان نقاط ضعف از مجموع اوزان نقاط قوت، عدد حاصل به‌عنوان مقدار X در ماتریس SPACE محاسبه گردید.

$$-۰.۳۹ = ۲.۱۶ - ۱.۷۷ = \text{مقدار نقطه وضع موجود بر روی محور افقی}$$

ارزیابی عوامل خارجی

در ارزیابی عوامل خارجی با تجمیع فرصت‌ها و تهدیدات در جدول شماره ۵ میانگین پاسخ حاصل از گویه‌های پرسش‌نامه را به‌عنوان ضریب اهمیت در وزن هر عامل ضرب و وزن موزون به‌دست آمده است.

جدول (۵) گویه‌ها، ضریب اهمیت (میانگین)، وزن و وزن موزون فرصت‌ها و تهدیدات

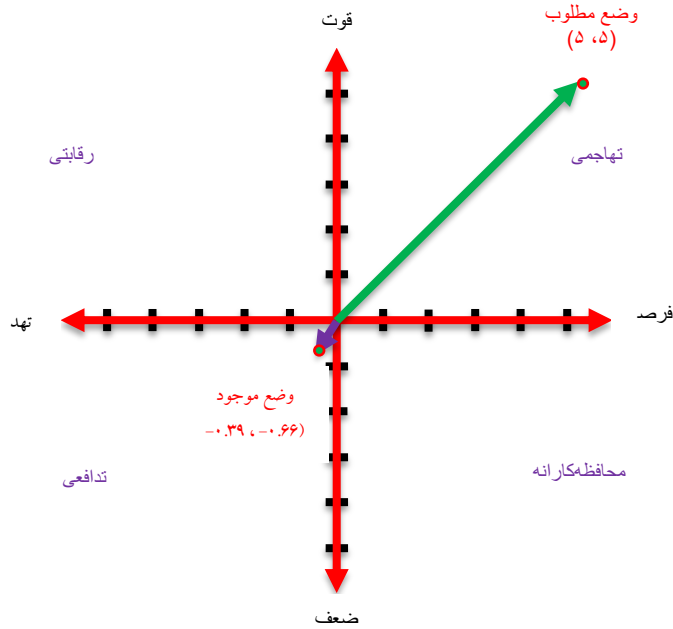
فرصت‌ها			
مشخصه	گویه	ضریب اهمیت	وزن موزون
01	هم‌گرایی با نظام بین‌الملل برای مبارزه با تروریسم	۳.۰	۰.۰۱۸
02	بهره‌برداری از اختلاف کشورهای منطقه جهت گسترش روابط با ایران	۲.۷	۰.۰۱۸
03	بهره‌برداری از اختلاف قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا با روسیه	۳.۲	۰.۰۱۸
04	گسترش روابط تجاری با کشورهای منطقه	۳.۳	۰.۰۱۸
05	همکاری با کشورهای منطقه در مقابله با تروریسم سایبری	۳.۱	۰.۰۱۸
06	نفوذ ایران در محور مقاومت جهت حفظ و ارتقاء امنیت ملی	۳.۷	۰.۰۱۸
07	کمک به ثریت جایگاه بسیج مردمی در کشورهای محور مقاومت	۳.۱	۰.۰۱۸
08	گسترش نفوذ فرهنگی و قدرت نرم ج ا ایران در کشورهای منطقه	۳.۱	۰.۰۱۸
09	گسترش دیپلماسی علم و فن‌آوری با کشورهای منطقه	۳.۲	۰.۰۱۸
010	گسترش دیپلماسی ورزشی با کشورهای منطقه	۳.۰	۰.۰۱۸
011	برگزاری رزمایش‌های مشترک نظامی با کشورهای منطقه	۲.۹	۰.۰۱۸
012	گسترش روابط با کشورهای منطقه در قالب کنفرانس وحدت اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی و ...	۳.۱	۰.۰۱۸
013	گسترش همکاری‌های اطلاعاتی - امنیتی با کشورهای منطقه	۳.۱	۰.۰۱۸
014	عضویت در پیمان‌های اقتصادی همچون شانگهای، RCD و ...	۳.۸	۰.۰۱۸
015	تأکید بر مسأله فلسطین در جهت تضعیف رژیم اسرائیل	۳.۶	۰.۰۱۸
016	سرمایه‌گذاری اقتصادی دو و چند جانبه با کشورهای منطقه	۳.۱	۰.۰۱۸
017	تبادل نیروی کار ماهر بین کشورهای منطقه	۲.۷	۰.۰۱۸
018	عطش معنوی انسان معاصر و استفاده از ظرفیت اسلام	۲.۵	۰.۰۱۸
019	استفاده از گفتمان انقلاب اسلامی برای جذب ملت‌های منطقه	۲.۸	۰.۰۱۸

۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۲	عدم استقبال جهان از یک‌جانبه‌گرایی در سیاست‌های آمریکا	O20
۰.۰۵	۰.۰۱۸	۲.۷	افزایش شکاف اجتماعی در جامعه رژیم اسرائیل	O21
۰.۰۵	۰.۰۱۸	۲.۷	تضعیف روحیه ارتش آمریکا برای ادامه حضور در منطقه	O22
۰.۰۵	۰.۰۱۸	۲.۷	تشدید نارضایتی مردم در غرب از حکومت‌های خود به سبب حضور گسترده در خاورمیانه (بخصوص آمریکا)	O23
۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۱	استقرار نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در برد موشک‌های ایرانی	O24
۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۱	شکست راهبردهای آمریکا در منطقه و خروج از عراق و افغانستان	O25
مجموع امتیاز فرصت‌ها				
۱.۳۸				
تهدیدها				
وزن موزون	وزن	ضریب اهمیت	گویه	مشخصه
۰.۰۸	۰.۰۱۸	۴.۳	گسترش کمی-کیفی تعاملات آمریکا و رژیم اسرائیل با همسایگان ایران	T1
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	گسترش اندیشه‌های تکفیری در اطراف ایران	T2
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	جنگ نیابتی عربستان، آمریکا و گروه‌های تروریستی علیه ایران	T3
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	فقدان هم پیمان راهبردی فرامنطقه‌ای	T4
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۹	عدم عضویت در پیمان‌های امنیتی - نظامی	T5
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۰	تبدیل دوقطبی شیعه - سنی به تضادهای نیابتی و تعارضات هویتی	T6
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	تداوم همکاری‌های راهبردی کشورهای منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای	T7
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	گسترش تروریسم سایبری علیه مراکز حساس و حیاتی ایران	T8
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۹	ترور دانشمندان و نخبگان ایرانی از سوی رژیم اسرائیل	T9
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۸	تشکیل شبکه یکپارچه دفاع موشکی از سوی کشورهای عربی	T10

۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۹	بهره‌برداری آمریکا و رژیم اسرائیل از پهپادها و ربات‌های هوشمند	T11
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۰	تغییر صحنه جنگ از نبرد فیزیکی به نبرد سایبری و دیجیتال	T12
۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۵	تداوم وضعیت مبهم رژیم حقوقی دریای خزر	T13
۰.۰۸	۰.۰۱۸	۴.۳	استمرار ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهت واگرایی منطقه‌ای	T14
۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۶	تلاش در جهت قطع پیوندهای راهبردی ایران با محور مقاومت	T15
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۱	تلاش رسانه‌ای در جهت القاء ناکارآمدی حاکمیت	T16
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۸	گسترش رقابتهای تسلیحاتی بین کشورهای اسلامی در منطقه	T17
۰.۰۵	۰.۰۱۸	۳.۰	بحران مشروعیت در حکومت کشورهای منطقه	T18
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۶	ترویج ابتدال، مادی‌گرایی، نفع‌پرستی و الگوهای مخرب فرهنگی	T19
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۷	کم‌اهمیت شدن نفت ایران در بازار جهانی	T20
۰.۰۸	۰.۰۱۸	۴.۲	مهاجرت نیروهای جوان و متخصص به خارج از کشور	T21
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۸	ممانعت کشورهای صاحب فناوری‌های بالا از انتقال آن‌ها به ایران	T22
۰.۰۸	۰.۰۱۸	۴.۲	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران	T23
۰.۰۸	۰.۰۱۸	۴.۴	گسترش تحریم‌های بین‌المللی و تنوع در اجرای آنها علیه ایران	T24
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۹	تجزیه‌طلبی و تحریک قومی در استان‌های مرزی ایران	T25
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۴.۰	قابلیت‌ها، تجهیزات و لجستیک مناسب آمریکا، ناتو و رژیم اسرائیل	T26
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۸	سوء استفاده روسیه و چین از تنگناهای بین‌المللی ایران	T27
۰.۰۶	۰.۰۱۸	۳.۶	پذیرش سلطه قدرتها جهانی از طرف برخی از کشورهای اسلامی	T28
۰.۰۷	۰.۰۱۸	۳.۷	اختلافات حل‌نشده ایران با برخی از کشورهای همسایه‌اش	T29
۲.۰۴	مجموع امتیاز تهدیدات			

با کم کردن مجموع اوزان تهدیدات از مجموع اوزان فرصت‌ها، عدد حاصل به‌عنوان مقدار γ در ماتریس SPACE محاسبه گردید.

$$-۰.۶۶ = ۲.۰۴ - ۱.۳۸ = \text{مقدار نقطه وضع موجود بر روی محور عمودی}$$



شکل (۶) ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی و وضع تدافعی ایران

بنابراین ایران در حال حاضر جهت نیل به قدرت منطقه‌ای در همه ابعاد ترسیمی به‌خصوص سیاسی - اقتصادی در وضعیت تدافعی قرار دارد.

راهبردهای امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به قدرت برتر منطقه‌ای جهت تدوین و اولویت‌بندی راهبردها، با در نظر گرفتن انواع راهبردهای چهارگانه و بر مبنای گویه‌هایی پرسش‌نامه، ضمن مقایسه هر گویه با راهبرد موردنظر به نتایج جدول ۶ در قالب ۱۸ راهبرد رسیده‌ایم. بنابراین برای هر راهبرد اقدام به محاسبه نمره جذابیت شده و هر کدام نمره بالاتری کسب کرد، اولویت بیشتری برای اجرا دارد.

جدول (۶) راهبردهای ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای و اولویت‌بندی آن‌ها

نمره جذابیت	نوع راهبرد	عنوان راهبرد
۹.۶	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تقویت قفل‌شدگی اقتصادی به‌وسیله افزایش حجم مبادلات تجاری و فعال کردن نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای
۹.۴	SO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تشکیل یک بلوک اقتصادی به‌وسیله ارتقاء منطقه‌گرایی اقتصادی
۹.۱	SO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق توسعه صادرات غیرنفتی به‌وسیله دسترسی به بازارها، منابع و سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای
۸.۸	WO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تقویت یک نظم منطقه‌ای متعامل به‌وسیله ارتقاء مبادلات، ارتباطات و اطلاعات درون منطقه‌ای
۸.۷	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق سیاست ایران منطقه‌ای نه منطقه ایرانی به‌وسیله اعتمادسازی متقابل برای تقویت ثبات و تعادل منطقه‌ای
۸.۴	WO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تقویت همکاری‌های چندجانبه برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای به‌وسیله ظرفیت‌سازی و اصلاحات ساختاری در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، فرهنگی و سیاسی از طرف کشورهای منطقه
۸.۱	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق جلوگیری از امنیتی شدن ایران به‌عنوان یک تهدید درون منطقه‌ای به‌وسیله تقویت گفت‌وگوهای درون منطقه‌ای برای شناخت، تقویت و توزیع ارزش‌ها و هنجارهای مشترک
۷.۳	WT	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق مدیریت مشترک امور امنیتی به‌وسیله ایجاد ترتیبات و ساختارهای امنیتی چندجانبه رسمی و غیررسمی
۷.۲	WT	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق گسترش همکاری‌های امنیتی به‌وسیله تقویت توان و قدرت ملی ایران
۶.۸	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق زدودن احساس تهدید و

		اعتمادآفرینی برای سایر کشورهای منطقه به‌وسیله رفع ابهام از سیاست برتری منطقه‌ای ایران
۶.۳	WO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق ایجاد نظم فرهنگی - اجتماعی متناسب به‌وسیله همگرایی اقتصادی - سیاسی و همکاری‌های امنیتی
۶.۲	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق اتخاذ الگوی توازن منطقه‌ای به‌وسیله پرهیز از پیش‌داوری‌های مغرضانه با اقدامات امنیت‌زا و تهدیدزدا
۶.۰	SO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تولید قدرت متوازن به‌وسیله ائتلاف‌سازی منطقه‌ای
۵.۷	WT	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق شکل‌گیری یک فرهنگ امنیتی مبتنی بر صلح‌طلبی با ارتقاء ضریب امنیت فرهنگی و هویتی بین کشورهای منطقه
۵.۶	WO	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق مقابله با تهدیدات مشترک فرامنطقه‌ای با برقراری اتحاد راهبردی بین ایران و سایر کشورهای منطقه
۵.۳	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق غیرنظامی کردن منطقه به-وسیله جلوگیری از چند دسته‌گی، چند قطبی شدن و کاهش چالش‌های امنیتی
۵.۰	WT	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق ارتقاء منزلت بین‌المللی و بازیگری ایران به‌وسیله تقویت قدرت چانه‌زنی بین‌المللی
۴.۷	ST	دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق خشونت‌گریزی و تعامل-گرایی به‌وسیله تبیین و شفاف‌سازی ماهیت سیاست خارجی انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با ترسیم چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴ ه.ش.) هدف خود را کسب جایگاه اول منطقه (جنوب آسیا، جنوب غرب آسیا و آسیای مرکزی) در حوزه‌های مختلف قرار داده است. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به پرسش بنیادین مربوط به راهبرد مناسب جهت نیل به جایگاه

قدرت برتر منطقه‌ای توسط ایران با استفاده از تکنیک SWOT و با اتخاذ رویکرد امنیت محور انجام گرفت. در این خصوص، پژوهش‌گران پس از تبیین مفهوم نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و تعیین ابعاد گوناگون این نظریه به‌ویژه در زمینه امور امنیتی به بررسی ویژگی‌های منطقه خاورمیانه به‌عنوان یک مجموعه امنیتی همواره بحرانی پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش‌گران، فقدان درک صحیح از منافع دیگر دولت‌ها به‌ویژه به‌هنگام تعارض با منافع ملی هر دولت، نقش اصلی را در گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه و چالش‌های امنیتی ناشی از آن ایفا می‌کند. ارتباطات اقتصادی در خاورمیانه و مفهوم قفل‌شدگی اقتصادی میان کشورهای این منطقه نیز نقش به‌سزایی در جهت‌دهی روابط امنیتی دولت‌های حاکم به‌ویژه دولت‌های دارای اشتراکات زبانی و مذهبی دارد؛ به‌گونه‌ای که دسته‌بندی‌های درون منطقه‌ای بر اساس دو مذهب بزرگ اسلامی شیعه و سنی و گسترش روابط بین دولت‌های عضو در هر یک از این دسته‌بندی‌ها می‌تواند گواهی بر صحت این ادعا در نظر گرفته شود. علاوه بر این، تلاش برای نیل به قدرت برتر منطقه‌ای از سوی دو کشور مدعی یعنی ایران و عربستان و همچنین احساس خطر از سوی رژیم صهیونیستی که دارای تعارض منافع عمده با جمهوری اسلامی ایران است، باعث ایجاد تنش‌های امنیتی در منطقه شده که این مسأله نیز باعث افزایش قفل‌شدگی اقتصادی بیشتر بین دولت‌های عضو جبهه مقابل ایران گردیده است.

از آنجایی که قدرت‌های بزرگ نقش فعال و گسترده‌ای در فضای امنیتی منطقه خاورمیانه دارند، ایران می‌باید ضمن به‌کارگیری تعامل سازنده و مؤثر، از چالش‌های ایجاد شده به‌وسیله قدرت‌ها در مانع‌سازی بر سر راه دستیابی به قدرت برتر منطقه غافل نباشد. با توجه به یافته‌های پیشین، پژوهشگران با استفاده از نتایج حاصل از پاسخ به پرسش‌های توزیعی به ارزیابی عوامل داخلی و تعیین نقاط قوت و ضعف و ارزیابی عوامل خارجی و تعیین فرصت‌ها و تهدیدات پرداخته با تعیین راهبردهای احتمالی جهت دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای و اولویت‌بندی آن‌ها، از میان سه راهبرد نخست که همگی دارای ابزارها و روش‌های اقتصادی بودند، راهبرد «دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق تقویت قفل‌شدگی اقتصادی به‌وسیله افزایش حجم مبادلات تجاری و فعال کردن نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای» را که در ماتریس‌های SWOT با کسب نمره ۹/۶ دارای بالاترین میزان جذابیت تشخیص داده شده بود، به‌عنوان راهبرد اصلی پیشنهادی خود شناسایی و معرفی نمودند.

با نگرش به تعدد بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه و تلاش هر یک در دستیابی به قدرت منطقه‌ای پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌گران با استفاده از رویکردهای امنیت‌محور به شناسایی و

تبيين راهبردهای دست‌یابی ایران به این جایگاه در خاورمیانه پیردازند. مسلم است دستیابی احتمالی دیگر پژوهش‌گران به راهبردهای نزدیک به راهبرد پیشنهادی این پژوهش می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری مفید فایده واقع گردد.

منابع و مأخذ

فارسی

- احمدی، حمید. (۱۴۰۰). **سیاست و حکومت در خاورمیانه**. تهران: نشر نی.
- اختیاری‌امیری، رضا و محمدی، محمدرضا. (۱۴۰۰). «تأثیر مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس بر سیاست همسایگی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۳۵(۳): ۱۵۰-۱۲۹.
- آدمی، علی. (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، ۲۱(۶۲): ۱۴۱-۱۶۸.
- ادیب‌مقدم، آرشین. (۱۳۸۸). **سیاست بین‌المللی خلیج فارس: تبارشناسی فرهنگی**، ترجمه داود غرایق‌زندی، تهران: نشر شیرازه.
- آذرشب، محمدتقی و مؤمنی، سید محمدجواد. (۱۳۹۶). «الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، ۱(۲): ۱۶۱-۱۳۷.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، ۱۷(۶۸): ۱۵۳-۱۲۱.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۲). «شناخت استراتژی: بازخوانی امنیتی سند چشم‌انداز بیست‌ساله ج.ا.ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، ۱(۱): ۳۰-۱.
- امینیان، بهادر. (۱۳۹۰). «محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، ۴(۱۳): ۵-۱۷.
- بوزان، باری. (۱۳۹۰). **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و ویور، الی. (۱۳۸۸). **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریستیانسن، توماس. (۱۳۸۳). «وحدت اروپایی و منطقه‌ای»، **در جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، جان بیلیس و استیو اسمیت، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر. (۱۳۸۸). «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، **فصلنامه سیاست**، ۳۹(۱): ۹۰-۶۷.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و محمدیان، محمد. (۱۳۹۰). «جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه اول قرن بیست‌ویکم»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، ۱(۲): ۷۲-۳۳.

- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۲). **ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۸۷) **تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۳). **قدرت‌های منطقه‌ای: ایران قدرت نوظهور**، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۴). «موانع ساختاری برتری منطقه‌ای ایران»، **دانشنامه حقوق و سیاست**، ۱(۲): ۳۷-۶۲.
- دوئرتی، جیمز و فالترگراف، رابرت. (۱۳۹۰). **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- دیوید، فرد آر. (۱۳۹۰). **مدیریت استراتژیک**، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رستمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بی‌ثباتی‌های غرب آسیا (خاورمیانه): بازیگران منطقه‌ای و یاریگران فرامنطقه‌ای»، **مجله سیاست دفاعی**، ۲۴ (۹۴): ۲۰۲-۱۶۵.
- روحی‌دهبانه، مجید. (۱۳۹۵). **تراژدی منطقه‌گرایی در خاورمیانه: تبیین نظم و بی‌نظمی در سیاست بین‌الملل خاورمیانه**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زیبایی، مختار؛ نصری، زبیره و رستمی، فرزاد. (۱۴۰۰). «فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل؛ پیامدهای آن برای محیط امنیتی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، ۱۰(۳): ۳۱-۶۲.
- سازمانده، بهاره و جوکار، مهدی. (۱۳۹۵). «مجموعه امنیتی منطقه‌ای: پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ۱۲ (۲): ۱۷۷-۱۵۱.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، ۱۲ (۱): ۱۳۹-۱۰۱.
- سلمانی جلودار، یونس؛ برزگر، کیهان؛ ذاکریان، مهدی و احمدی، حمید. (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر برج‌ام‌بر سیاست و راهبردهای منطقه‌ای ایران: تداوم یا تغییر»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ۱۶(۵۹): ۱۷۲-۲۰۲.
- عابدی، مهدی. (۱۳۸۸). «بازتولید بحران در ساختار امنیتی خاورمیانه به‌سوی شناسایی یک ابر بحران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، ۱ (۱): ۹۰-۶۵.
- عبدا... خانی، علی. (۱۳۸۹). **نظریه‌های امنیت**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- علائی، حسین. (۱۳۹۲). «تحلیل تغییرات موازنه قوا در خاورمیانه در پی قیام‌های مردمی در کشورهای عربی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۲۶ (۴): ۸۴۳-۸۴۶.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۴). **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: سمت.

- کریمی، حمیدرضا؛ موسوی شفائی، سید مسعود؛ اسلامی، محسن؛ اسدی، علی اکبر. (۱۴۰۱). «پویایی‌های نظم در سطح جهانی-منطقه‌ای و دگرذیسی نقش کنشگران منطقه‌ای خلیج فارس (مطالعه موردی: امارات متحده عربی)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۸ (۶۶): ۵۷-۸۷.
- ماه‌پیشانیان، مهسا. (۱۳۹۰). «الگوسازی برای امنیت منطقه‌ای خلیج فارس با محوریت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۴ (۱۰): ۲۵-۷۴.
- مسجدجامعی، محمد. (۱۳۹۵). *ایران و جهان عرب: تحولات عربی و ژئوپلیتیک ایران*، تهران: اطلاعات.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۱). «پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۸ (۲۷): ۳۵-۵۹.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۳). «تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۳ (۳): ۷-۳۴.
- مورگان، پاتریک. (۱۳۹۲). «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و نظم‌های منطقه‌ای»، در: *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ویراسته دیوید لیک و پاتریک مورگان، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی، سید حسین. (۱۳۸۶). «الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس: تجربه‌ها و موانع»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۰ (۴): ۸۳۱-۸۶۷.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۸)، *ایران و اعراب، پژوهش شماره ۲۱*، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

انگلیسی:

- Alavi, Nasrin. (2005). *We Are Iran: The Persian Blogs*, Brooklyn: Soft Skull Press.
- Ansari, Ali. (2006). *Confronting Iran: The Failure of American Foreign Policy and the Next Great Crisis in the Middle East and the Next Great Crisis in the Middle East*, New York: Basic Books.
- Binder, L. (1958). "The Middle East as a Subordinate International System". *World Politics*, 10(3), 408-429.
- BP. (2021). *Statistical Review of World Energy*, London: Whitehouse Associates.
- Buzan, Barry and Wæver, Ole. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press.
- Buzan, Barry; Wæver, Ole and De Wilde, Jaap. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, Boulder: Lynne Rienner.
- Carpenter, T. g., and Innocent, M. (2007). The Iraq War and Iranian Power, *International Institute for Strategic Studies*, 49 (4): 67-82.
- Chase, R. S., Hill, E. B., & Kennedy, P. (1996). "Pivotal States and U.S. Strategy". *Foreign Affairs*, 75(1), 33-51.
- Gause, III, F. (2009). "The Persian Gulf as a security region". In *The International Relations of the Persian Gulf*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Goldberg, Jeffrey (2016), "The Obama Doctrine: The Atlantic's Exclusive Report on the U.S. President's Hardest Foreign Policy Decisions", *The Atlantic*, Available at:

- <https://www.theatlantic.com/press-releases/archive/2016/03/the-obama-doctrine-the-atlantics-exclusive-report-on-presidents-hardest-foreign-policy-decisions/473151/>
- Gratch, Alon (2015), **The Israeli Mind**, New York: St. Martin's Press.
 - Haass, Richard. (2014). "The New Thirty Years' War", **Project Syndicate**, Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/richard-n-haass-argues-that-the-middle-east-is-less-a-problem-to-be-solved-than-a-condition-to-be-managed>
 - IISS (The International Institute for Strategic Studies). (2022). **The Military Balance 2022**, London: Routledge.
 - Kagan, F. W. (2010), "Deterrence Misapplied: Challenges in Containing a Nuclear Iran", **Council on Foreign Relations**. <http://www.jstor.org/stable/resrep05655>
 - Kamrava, Mehran. (2018). "Hierarchy and Instability in the Middle East Regional Order", **International Studies Journal**, 14(4): 1-35.
 - Kaye, D. D. and Wehrey, F. M. (2007). "A Nuclear Iran: The Reactions of Neighbours", **Survival**, 49 (2): 111-128.
 - Keddie, Nikki R. (2003). **Modern Iran: Roots and Results of Revolution**, New Haven: Yale University Press.
 - Koduvayur, Varsha and Daoud, David (2020), "Welcome to a Brand-New Middle East", **Foreign Policy**. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/09/30/israel-uae-bahrain-palestinians-peace/>
 - Lemke, Douglas. (2002). **Regions of War and Peace**, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Len, Christopher. (2004). **Anarchy and the Barriers to Community Regional Cooperation in the Post-cold War Era**, Uppsala: Department of Peace and Conflict Research.
 - Nar, Vali. (2007). "Iran: The New Claimant to Regional Power", 31th Fletcher Forum of **World Affairs**, 31(2) .
 - Niblett, R. (2017). "Liberalism in Retreat: The Demise of a Dream". **Foreign Affairs**, 96(1): 17-24. At: <http://www.jstor.org/stable/44823226>
 - Rahman, Omar H. (2019). "What's behind the relationship between Israel and Arab Gulf states?", **Brookings Institution**. Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/28/whats-behind-the-relationship-between-israel-and-arab-gulf-states/>
 - Schoeman, Maxi. (2003). "South Africa as an emerging middle power: 1994-2003", in **State of the Nation: South Africa 2003-2004**, edited by John Daniel, Adam Habib, Roger Southall, Cape Town: Human Sciences Research Council Press: 349-367.
 - SIPRI (Stockholm International Peace Research Institute). (2021). "SIPRI Military Expenditure Database", Available at: <https://milex.sipri.org/sipri>
 - Snyder, G H. (1984). "The Security Dilemma in Alliance Politics", **World Politics**, 36(4): 461-495.
 - Valbjørn, Morten (2019). "Global/Regional IR and changes in global/regional structures of Middle East international relations", in *Shifting Global Politics and the Middle East*, **The Project on Middle East Political Science (POMEPS)**, No.34: 18-22.
 - Vohra, Anchal. (2022). "Why Iran Is Downplaying Israel Assassinating Its Officials", **Foreign Policy**, Available at: <https://foreignpolicy.com/2022/07/01/iran-israel-assassinations-covert-warfare-irgc>

